جستارهای تاریخ اسلام
دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی جستارهای تاریخ اسلام
سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات: ۲۲۵-۲۴۴

نقش پیشگویی‌های ظهور شاه‌اسماعیل در مشروعیت‌بخشی به حکومت صفوی

سعید نجفی‌نژاد[۱]

چکیده

درباره تشکیل حکومتی شیعی، در برخی منابع، اخباری پیشگویانه از جانب یکی از احفاد شیخ صفی‌الدین اردبیلی ذکر شده است. فارغ از انگیزه‌های پیشگویان یا ناشرانِ آنها، این نویدها موجب استحکام پایه‌های مشروعیت و مقبولیت حکومت صفوی گردید. به دلیل اینکه اخبار غیبی غالباً مبنایی مذهبی داشته‌اند، این نوع بشارت‌ها ناخواسته تبدیل به یکی از عواملی شدند که چهره‌ای معنوی و مشروع به این حکومت بخشیده‌اند. این پژوهش، بدون اینکه قصد راستی‌آزمایی یا بررسی اعتبار تاریخی یا رجالی این روایات پیشگویانه را داشته باشد، با نگاهی تحلیلی، صرفاً تأثیر این اخبار بر جایگاه سیاسی مذهبی حکومت صفوی را بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد اخبار ظهور شاه‌اسماعیل صفوی به‌عنوان احیاگر تشیع و ذکر گزارش‌هایی درباره اتصال حکومت صفوی به حکومت مهدوی، نقش مؤثری در استقبال و حمایت از شاه‌اسماعیل و همچنین صفویه‌گرایی مردم ایران در آن دوره و حتی ادوار پس از سقوط آنها داشته است. این تحقیق با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و به روش توصیفی ـ تحلیلی، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حکومت صفویه، پیشگویی، شاه‌اسماعیل، مشروعیت‌بخشی.

---

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران؛ s.nagafinezhad@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

https://jte.jz.ac.ir/article_238895.html

مقدمه

پیشگویی‌های تبشیری از ظهور یک چهره انقلابی که قصد اعتلای تشیع را دارد، علاوه بر مشروعیتی که به حکومت صفویه بخشید، محبوبیت زیادی نیز برای آن به ارمغان آورد. تاریخ‌نگاران صفوی، نقشی محوری در انعکاس این نوع مطالب داشته‌اند.

اکثر پیشگویی‌ها در این زمینه، اشاره به ظهور فردی از خاندان صفوی دارند که مذهب تشیع را نشر خواهد داد. برای مردم آن دوره، مشاهده قاطعیت مؤسس سلسله صفوی در ترویج تشیع و چهره کاریزماتیک او، یکی از مظاهر صحت این بشارت‌ها بوده است. باتوجه‌به فراوانی و عمق عبارات به‌کاررفته در پیشگویی‌ها، به نظر می‌رسد نقش آنها در مشروعیت‌بخشی به حکومت صفویه، فراتر از اثر معمولِ این دست سخنان ظاهراً موهوم باشد.

بر همین اساس، این پژوهش با در نظر گرفتن جایگاه مهم و حتی بی‌نظیر این پیشگویی‌ها در تاریخ ایران اسلامی برای تحکیم حکومت صفوی، به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که این پیشگویی‌ها چه اثری بر استحکام پایه‌های معنوی اقتدار حکومت نوپای صفویه داشته‌اند؟ به بیان دیگر، سهم پیشگویی‌ها از ظهور سلطانی باورمند به تشیع، در باورپذیری جایگاه معنوی او در جامعه ایران به چه میزان بوده است؟

برخی سؤالات فرعی نیز مطرح هستند که به وضعیت فکری و فرهنگی جامعه ایران در آن دوره مربوط می‌شوند. آگاهی از این وضعیت، کمک زیادی به درک موضوع خواهد کرد. همچنین متغیرهای مستقل و وابسته‌ای وجود دارند که ازجمله آنها می‌توان به نقش خودِ شاه‌اسماعیل در جهت‌دهی و هدفمندسازی نتایج پیشگویی‌ها به‌عنوان متغیر مستقل و علمای عصر صفوی که با تأیید یا عدم تأیید این نوع پیشگویی‌ها در فرایند فضیلت‌سازی برای حکام صفوی می‌توانستند نقش‌آفرینی کنند به‌عنوان متغیر وابسته اشاره کرد.

با جستجو در آثار مرتبط، پژوهشی که به طور مستقل به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد و بیشترین مشابهت‌های موضوعی، در آثاری دیده می‌شود که به‌صورت کلی به بررسی مشروعیت حکومت صفوی و زمینه‌های تشکیل آن پرداخته‌اند. بااین‌حال، در برخی از آثار، به‌صورت جسته‌وگریخته و بعضاً از زوایایی بعید، اشاراتی مختصر به این موضوع شده است.

کتاب شاه‌اسماعیل صفوی و تغییر مذهب (بهزاد کریمی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۷)؛ و مقالات «نقش پیشگویی‌ها در شکل‌گیری نحله‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی» (مصطفی صادقی کاشانی، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳۸، ۱۳۹۵)؛ «رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ نوشته‌های صفوی» (شعله کویین، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌های ۳۷ و ۳۸، ۱۳۷۹)؛ «تشیع عرفانی و تأثیر آن بر ظهور صفویه» (جمشید جلالی شیجانی، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۶۲، ۱۳۹۷)؛ «تحلیل گفتمان مهدویت در عصر شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی» (محبوبه اسماعیلی و نزهت احمدی، فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۰، ۱۳۹۴) و «پیوند معنوی پادشاهان صفوی با شیخ صفی‌الدین» (مهدی دهقانی، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۳۹، ۱۴۰۰) ازجمله این آثار هستند.

همان طور که از عنوان این آثار برمی‌آید، هیچ‌کدام به‌صورت مستقیم، ورود تخصصی به موضوع تحقیق حاضر نداشته و بیشتر به مباحثی پرداخته‌اند که ارتباط کمتری با موضوع نقش پیشگویی‌های ظهور شاه‌اسماعیل در مشروعیت‌بخشی به حکومت صفوی دارند.

زمینه‌های فکری برای ابراز پیشگویی‌ها در آستانه ظهور صفویان

پس از حمله مغول، برخی اندیشه‌ها و افکار خرافی در ایران گسترش یافت. این نوع اوهام، به شدت شکاف‌زا بودند و ظهور و بروز آنها در زمان گسست سیاسی فرهنگی افزایش یافت و ایران در آن دوره، واجد چنین شرایطی بود. سرخوردگی مردم از خرابی‌ها و از دست دادن عزیزان از یک‌سو و تأثیر آزادی مذهبی پدیدآمده پس از حضور مغولان در ایران[1] از سویی دیگر، زمینه را برای رواج افکار منجی‌جویانه مهیاتر ساخته بود. ضمن اینکه نباید از تأثیر روحیات اوهام‌گرایانه خودِ مغولان در تشدید این روند نیز غافل شد. هرچند مورد اخیر، به لحاظ پشتوانه فرهنگی مذهبی ایرانیان نمی‌توانست نقش قابل‌توجهی در تغییر ذائقه معنوی مردم داشته باشد، اما فرصت‌طلبی برخی‌ها از این وضعیت که گاه در قالب دراویش و چهره‌های صوفی‌مسلک، پا به عرصه می‌نهادند، می‌توانست به طور غیرمستقیم به توسعه فضای توجه به عناصر فرابشری کمک کند.

۱. تسامح مذهبی مغولان در ادامه حضورشان در ایران رو به افول نهاد؛ چراکه اساساً این تسامح، نه به‌خاطر آزاداندیشی، بلکه به دلیل ناآگاهی و خالی بودن ذهن مغولان درباره ادیان الهی بوده است. به زبان ساده‌تر، مدت‌ها طول کشید تا مغولان با اسلام آشنا شوند. پس از آن، نوبت به درک مذاهب مختلف اسلامی رسید که مغولان باید نسبت به آنها شناخت کافی پیدا می‌کردند و سپس در مقابل پیروان این مذاهب واکنش نشان می‌دادند.

درمجموع انتظار می‌رفت در چنین فضایی که دولت حاکمه، با مذهب قوم مغلوب کاملاً بیگانه است، فرصت تنفسی برای مذهب تشیع که در ایران ریشه‌دار بوده، اما به دلیل به قدرت رسیدن حکومت‌های سنی‌مذهب در حاشیه قرار گرفته است، ایجاد شود. این فرصت برای تشیع ایجاد شد اما همزمانی آن با گسترش افکار صوفیانه در ایران، موجب همگرایی تصوف و تشیع گردید. یکی از جلوه‌های جانبی صوفی‌گری و عرفان، تمایل به سمت امور ماورایی است که ذکر اخبار غیبی و خبردهی از آینده، از اشکال آن بود. در آستانه به قدرت رسیدن شاه‌اسماعیل، دامنه این پیشگویی‌ها گسترش یافت.

پیشگویی‌ها در دوره صفویه، ابعادی مذهبی ـ سیاسی داشت که برپایی یک تئوکراسی[1] را نوید می‌داد. تئوکراسی با شعار رسمیت‌بخشی به مذهب تشیع اثناعشری، که قرن‌ها در پس پرده مانده بود، استقرار یافت. غیر از آثار تاریخ‌نگارانه این دوره، در دیگر آثار ازجمله رسائلی که از سوی علما و سایرین به نگارش درآمده و همچنین برخی کتاب‌ها با موضوعات مختلف نیز اخباری غیبی در این زمینه ذکر شده است (ناجی، ۱۳۸۷، ص۱۷؛ جعفریان، ۱۳۹۱، ص۱۷۱ ـ ۱۷۳ و ۱۳۷۸، ص۱۲).

۱. مشروعیت‌آفرینی بر اساس روایات منسوب به اهل‌بیت علیهم‌السلام

یکی از عواملی که موجب شد شاه‌اسماعیل بدون مواجهه با مشکلات داخلی بزرگ در زمینه پذیرش توده مردم، حکومتی یکپارچه به لحاظ مذهبی و ارضی را مستقر کند که تا ۲۳۵ سال نیز پایا باشد، مشروعیت آن در انظار ایرانیان بر پایه روایات منسوب به معصومان علیهم‌السلام و آوازه مذهبی نیکویِ نیاکان شاه‌اسماعیل بوده است. صِرف ذکر اخبار پیشگویانه از اهل‌بیت علیهم‌السلام درباره ظهور شاه‌اسماعیل، مُهر تأییدی بر مشروعیت حکومت او به شمار می‌آمد. هرچند این مُهر تأیید به تنهایی نمی‌توانست مشروعیت و مقبولیت این حکومت را در جامعه تضمین کند؛ بااین‌حال می‌توان گفت در آن دوره، یکی از موارد تأثیرگذار در اذهان مردم برای پذیرش حکومت صفویان بوده است.

در منابع دوره صفوی، روایاتی منسوب به معصومان علیهم‌السلام وجود دارند که هم‌اکنون پذیرش

۱. حکومت دینی. حکومتی است که اساس و پایه آن، بر اساس دین غالب جامعه بنا شده است.

تطبیق آنها با تشکیل حکومت از سوی شاه‌اسماعیل دشوار به نظر می‌رسد. اما واقعیت این است که این روایات، همراه با قرائن دیگر، به اثبات مشروعیت حکومت صفویه در آن دوران پرآشوب پرداخته است. ازجمله این نوع روایات می‌توان به روایت قاضی احمد قمی از قول سید مرتضی دربارهٔ خروج شاه‌اسماعیل از اردبیل اشاره کرد:

مروی است از حضرت سید المحققین سید مرتضی علم الهدی علیه الرحمه که گفت: حضرت شاه اولیا علی مرتضی علیه‌السلام فرموده‌اند: «انَّ لنا کَنز بِاردبیل لا من ذَهب و لا من فِضّه بَل مِن اَصلاب الرجال فی ارحامِ النساء اِسمه اِسمُ نبیّ الجِبال خوفاً وَ رُعباً صاحِبَ العِصابه الحَمرا اِذا رَایتُموه فَاتوهُ وَ انصُروهُ وَلو حَطوا عَلی الثَلَج؛ برای ما گنجی در اردبیل است نه از جنس طلا و نه نقره، بلکه از صلب مردانی در رحم زنان. او همنام پیامبری است که در کوه‌ها ساکن بوده است. از سربند سرخ او می‌ترسند. اگر او را دیدید، نزد او بروید و از او حمایت کنید، حتی اگر روی برف فرود آیید» (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص۱۱).[۱]

در رساله‌ای که نگارش آن مربوط به دوره صفوی است،[۲] روایات متعددی، با ظهور شاه‌اسماعیل مطابقت داده شده‌اند. همچنین از برخی آثار، مانند کتاب‌های الغیبه شیخ طوسی، خرائج و جرائح قطب‌الدین راوندی و الغیبه نعمانی، احادیثی استخراج گردیده که همگی بر تشکیل حکومت صفویان توسط شاه‌اسماعیل انطباق داده شده است (جعفریان، ۱۳۹۱، ص۱۷۱ـ۱۷۳). رساله دیگری از یکی از علمای دوره شاه سلطان حسین به نام محمد یوسف ناجی در دست است که این رساله به لحاظ ایجاد ارتباط میان برخی از روایات منسوب به اهل‌بیت علیهم‌السلام و سلاطین صفویه، به‌عنوان مصداق برخی این روایات پیشگویانه، کمتر دارای نمونه مشابه است (ناجی، ۱۳۸۷، ص۱۷).

علاوه بر اینها، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین احادیث در تاریخ‌نگاری صفوی، حدیث

۱. عبدی بیگ شیرازی در کتاب تکمله الاخبار این روایت را با اندک تفاوتی، در مورد شهر طالقان نقل می‌کند: «حضرت رسالت‌پناه صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده: ان لنا کنزاً فی طالقان لا بذهب و لا فضّه بل اثنی‌عشر الف رجل یقودهم شاب من بنی‌هاشم علی بغله شهباء علی رأسه عصابه حمراء کانی انظر الیه لعبر الفرات شعارهم الله الله. فاذا اظهر فسارعوا الیه ولو وجبوا علی السلح» (عبدی بیگ، ۱۳۶۹، ص۳۴). همین تفاوت در روایات، خود می‌تواند دلیلی بر ضعیف بودن سند و اصل روایت باشد.

۲. طبق نظر رسول جعفریان، ممکن است مؤلف رساله، «محمد اشرف‌بن‌عبدالحسیب» نواده میرداماد باشد. این رساله به شماره ۵۸۹۴ در دانشگاه تهران موجود است.

«لکل اناس دولت و دولتنا فی آخر الزمان» است که تاریخ‌نگاران صفوی، مراد از آن را حکومت صفوی دانسته و تبلیغات زیادی بر پایه آن انجام داده‌اند. بر اساس این حدیث، تسخیر سریع سرزمین‌ها توسط شاه‌اسماعیل، نتیجه تأیید این حکومت از طرف ائمه علیهم‌السلام قلمداد شده است:

«چون خاقان سکندر شأن مظهری بود از آثار دودمان مرتضوی و به مؤدای حقیقت انتمای «لکل اناس دولت و دولتنا فی آخر الزمان» در اندک زمانی اجرای مذهب حق نموده رفع بدع فرمودند و مترصد آن می‌بودند که تمامی ربع مسکون را تسخیر نموده در جمع اقطار مذهب ائمه اطهار علیهم‌السلام را انتشار دهند» (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹، ج۱، ص۱۵۴).

ظاهراً اولین کسی که از خاندان صفوی برای اثبات حقانیت خود به این روایت استناد کرده، شاه‌اسماعیل بوده است. او در قسمتی از جواب نامه شیبک خان ازبک برای او نوشت: «بحمدالله چون در این ولا به موجب لکلّ اناس دوله و دولتنا فی آخر الزمان، از چمن دلگشای خاندان نبوّت و ولایت، نهال بلند برومند وجود این جانب سر به سرافرازی کشید» (خورشاه‌بن‌قبادالحسینی، ۱۳۷۹، ص۴۱). مؤلف تاریخ جهان‌آراهم بر اساس همین حدیث «لکلّ اناس دوله و دولتنا فی آخر الزمان» اعتقاد دارد حکومت شاه‌طهماسب، به حکومت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف متصل خواهد گشت (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ص۲۸۱).

همچنین مورخان به پیشگویی دیگری از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مورد ظهور شاه‌اسماعیل و صفویان نیز اشاره کرده‌اند:

«ملک بنی‌عباس یسر لا عسر فیه لو اجتمع علیهم الترک و الدیلم و السند و الهند و البربره و الطبرستان علی ان یزیلوا ملکهم لما قدروا و لن یزیلوه حتی یستدعیهم مواليهم و ارباب دولتهم و تسلط علیهم ملک من التّرک و یأتی علیهم من حیث بدأ ملکهم لایمرّ بمدینه الّا فتحها و لا یرفع له رایه الّا نکسها الویل لمن ناواه؛ پادشاهی بنی‌عباس آسان شود اگر ترکان، دیلم، سند، هند، بربرها و طبرستان علیه آنها متحد می‌شدند تا پادشاهی خود را از بین ببرند، نمی‌توانند آن را بردارند و نخواهند کرد تا زمانی که بزرگان کشورشان آنها را احضار نکنند و یک پادشاه ترک بر آنها مسلط شود، آن را کنار نگذارید و او از جایی که حکومتشان آغاز شده و از شهری نخواهد گذشت مگر اینکه بیرقش برافراشته

شود. وای بر کسانی که با او مخالفت می‌کنند» (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹، ص۳۴).

حدیث دیگری که مرکز توجه واقع شده است آنکه ظاهراً طبق آن چنین برداشت می‌شود که پس از گذشت هر هزار سال از ظهور اسلام، خداوند آن را دوباره احیاء می‌کند و این احیاء را سهم صفویان دانسته‌اند. در این حدیث که از سوی خواندمیر نقل شده است، این پیشگویی را به ظهور صفویان منتسب کرده‌اند: «**ان الله یبعث علی رأس کل مائه سنه من یجدد لها دینها**» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج۴، ص۴۶۷).

عبارت «سرّ مکتوم» نیز تعبیری است در متون تاریخ‌نگاری صفوی برای آنچه که اهل‌بیت علیهم‌السلام در وجود شاه‌اسماعیل به صورت موروثی به ودیعه نهاده‌اند. شاه‌اسماعیل اول مدعی بود این ودیعه از طریق اهل‌بیت علیهم‌السلام و پدرانش به او رسیده است. به کار بستن این عبارت به‌خوبی بیانگر رویکرد عده‌ای است که در این دوره، به دنبال نشان دادن حقیقتی آسمانی در وجود خاندان صفوی هستند که در زمان و مکانی مشخص به ظهور خواهد رسید. مثلاً هنگامی که اطرافیان شاه‌اسماعیل در ابتدای حرکت انقلابی‌اش پیشنهاد دادند قاصدانی برای دعوت از هوادارانش بفرستد، از زبان خود او نوشته‌اند: «**از الهامات ملک قیّوم و انعامات ائمه معصوم** علیهم‌السلام چنان معلوم شده است که موعد آن است که سرّ مکتومی که از آباء مرحوم به ما رسیده است، بعد از این در پرده خفا نمانَد» (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص۸۷).

۲. مشروعیت‌سازی بر پایه پیشگویی بزرگان تصوف و سایر فِرق مذهبی

چهره‌های برجسته صوفی در ایران پیشاصفوی، جایگاه معنوی بالایی در میان بعضی از مردم داشته‌اند. به همین دلیل، رفتار و سخنان آنها نیز اثرگذار بوده است. زمانی که یکی از بزرگان صوفیه خبری از آینده می‌دهد، این خبر باورپذیری زیادی ایجاد می‌کرد؛ به‌طوری‌که می‌توانست مبنایی برای قضاوت عمومی درباره یک موضوع باشد.

سال‌ها پیش از به قدرت رسیدن شاه‌اسماعیل، یک پیشگویی از جانب شیخ زاهد گیلانی، استاد شیخ صفی‌الدین نقل شده است که می‌تواند موجب تحکیم پایه‌های این حکومت باشد. این پیشگویی، به سلطنت و متعاقب آن، ترویج مذهب تشیع به‌وسیله یکی از اخلاف شیخ صفی‌الدین اشاره نموده و باتوجه‌به اینکه مبشری مانند شیخ زاهد آن را اعلام

کرده است، می‌توانست از اهمیت زیادی برخوردار باشد. شیخ زاهد، چنین تعبیری از خواب شیخ صفی‌الدین به عمل آورده است:

«شیخ صفی در خواب دید تاجی بر سرش نهادند و شمشیر غلاف سرخی بر کمرش بستند. بعد از اینکه شیخ صفی این خواب را برای شیخ زاهد بازگو کرد، شیخ زاهد به او گفت: مژده باد تو را که از فرزندان تو، یکی پادشاه خواهد شد و مروج مذهب حق خواهد بود» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص۱۳).

علاوه بر اینها، پیشگویی‌های دیگری از این دست، در کتاب عالم‌آرای صفوی دیده می‌شود که باتوجه‌به تعلق خاطر نویسنده آن کتاب به شخصیت شاه‌اسماعیل و رؤیاهای فراوانی که در اثر خود در تأیید ارتباط خاندان صفوی و به‌ویژه شاه‌اسماعیل با عوالم غیب ذکر کرده است، چندان نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. اما با در نظر گرفتن شرایط آن روزگار و گرایش اکثریت مردم به خاندان صفوی، این گونه پیشگویی‌ها مقبولیت فراوانی در بین عوام و حتی بسیاری از خواص داشته است.

همچنین گفته می‌شود بعدها و در آستانه آغاز حرکت شاه‌اسماعیل، صوفی مشهوری به نام محمدبن‌یحیی کواکبی (م۸۹۷ق) در شهر حلب، یعنی همان شهری که مدتی اقامتگاه جنید، جدّ شاه‌اسماعیل بوده است، می‌زیست و به مردم می‌گفت: «به‌زودی یک تن از پیروان طریقهٔ ما، علیه پیروان طریقهٔ سنت و جماعت قیام می‌کند» (شیبی، ۱۳۵۹، ص۳۸۵).

پیش‌بینی‌هایی نیز در رابطه با اتصال حکومتی که فرزندان شیخ صفی‌الدین بنا خواهند نهاد به حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مطرح می‌شد. این نوع پیشگویی‌ها و تفاسیر، سهم بسزایی در گسترش انگاره اتصال حکومت صفوی به حکومت مهدوی ایفا می‌کرد. یکی از این پیش‌بینی‌های معروف که به زمان فوت شیخ زاهد گیلانی مربوط می‌شود، دربردارنده پیامی تبشیری برای منتظران مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و دوست‌داران خاندان صفوی است. ظاهراً زمانی که شیخ زاهد در بستر مرگ بوده، وصیت کرده است که شیخ صفی‌الدین جانشین او شود، اما مریدانش در اعتراض به این تصمیم او گفته‌اند که بهتر است همانند دیگر بزرگان، فرزند خودش را جانشین کند. ولی شیخ زاهد در جواب با اشاره به جایگاه والای شیخ

صفی‌الدین، بر این نکته تأکید کرده است که فرزندان او جهانگیری می‌کنند و حکومتشان تا ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پایدار خواهد ماند (مؤلف ناشناخته، بی‌تا، ص۳۸۹).

علاوه بر این، خواب‌هایی نیز با محتوای پیشگویانه نقل شده که ازجمله مشهورترین آنها خوابی است که شیخ حیدر، پدر شاه‌اسماعیل درباره تولد نوزادی دیده است که تشیع را ترویج خواهد نمود. همچنین در این خواب، به لزوم تهیه تاج معروف قزلباشان اشاره شده است:

«شبی در خواب، از برابر سلطان حیدر، نور پاک شهریار عالم و وصی رسول و ابن‌عمّ سید ابرار حیدر کرّار نمودار گردید و آن حضرت فرمود که ای فرزند! وقت آن شد که از صلب تو فرزند ما خروج کند و کاف کفر را از روی عالم براندازد. اما می‌باید از برای صوفیان و مریدان خود تاجی سازی از سقرلاط سرخ. و آن حضرت مقراض در دست داشت و برید تاج را و دوازده تَرَک قرار داد. چون بیدار گشت، آن روش را در خاطر داشت. برید تاجی و مقرر کرد که هرکدام از صوفیان یک تاج ساخته بر سر بگذارند و تاج حیدری نام نهادند» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص۳۰). می‌دانیم که سلطان حیدر بود که دستور داد همه پیروانش کلاه سرخ دوازده تَرَکی بر سر نهند و به همین علت، پیروان او به قزلباش‌ها معروف شدند (سرور، ۱۳۷۴، ص۳۳).

ترجمه جاماسب‌نامه نیز ترجمه رساله و وصیتی است از ابن‌فهد حلی (م۸۴۱ق) که آن را برای محمدبن‌فلاح، بنیانگذار مشعشعیان نگاشته و در آن، ظهور شاه‌اسماعیل اول را پیش‌بینی کرده است. میرزا عبدالله افندی، شرح این روایت و وصیت را در کتاب ترجمه جاماسب‌نامه به فارسی آورده است[1] (جعفریان، ۱۳۷۸، ص۱۲).

در پیشگویی دیگری که به‌زعم نویسنده کتاب، رؤیایی صادقه بوده، گفته شده است شیخ صفی‌الدین در عالم رؤیا مشاهده کرد که «بر قبّهٔ مسجد جامع اردبیل نشسته، ناگاه آفتابی طلوع نمود که از شعشعهٔ انوارش اقطار و اکناف عالم منوّر گردید و چون امعان نظر نمود، آن آفتاب، آفتاب جمالِ آفتاب مثالش بود که از مطلع اقبال طلوع نموده» و بعد از چند شب، باز در عالم رؤیا دید که «بر کوه بلندی نشسته، شمشیری طویل و عریض بر میان دارد و تاجی از پوست سمور بر سر و هم در خواب با خود می‌گوید که: پسر شیخ امین‌الدین جبرئیل را با شمشیر و تاج چه مناسبت است...» (میرزابیگ جنابدی، ۱۳۷۸، ص۷۱).

۱. نسخه‌ای از این کتاب، به شماره ۱۷۰ در کتابخانه مجلس موجود است (جعفریان، ۱۳۷۸، ص۱۲).

حتی گفته می‌شود برخی از نعمت‌اللهیان نیز سعی می‌کردند تا بعضی از اشعار دیوان شاه نعمت‌الله ولی را برای پیش‌بینی حکومت شاه‌اسماعیل تعبیر کنند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص۲۳۶).

۳. مشروعیت‌بخشی بر اساس پیشگویی‌های شخص شاه‌اسماعیل

شرایط فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی جامعه، فرصت مناسبی در اختیار شاه‌اسماعیل قرار داده بود تا با اتکا به باورپذیر بودن مدعاهای ماورایی خود، روایت‌هایی جذاب از رؤیاها و مشاهدات خود برای مردم بازگو کند. فارغ از صحت یا عدم صحت این مدعاها، در بخش‌هایی از رؤیاها نوعی پیشگویی دیده می‌شود که حائز اهمیت هستند. با اتکا بر این رؤیاهای تبشیری بود که نه‌تنها پشتوانه‌ای برای حقانیت و مشروعیت حکومت صفویان مهیا می‌شد، بلکه جنبه روحانی و معنوی پادشاهان صفوی نیز در نگاه مردم جلوه خاصی پیدا می‌کرد. دراین‌حال، آنها به‌عنوان انسان‌هایی معرفی می‌شدند که به طور مستمر، با اهل‌بیت علیهم‌السلام در ارتباط بودند و دستورهایی برای اداره امور دریافت می‌کنند. لازم به ذکر است که بیشترین رؤیاهای ذکرشده برای پادشاهان صفوی، مربوط به دوره شاه‌اسماعیل اول می‌شود.[۱]

در این نوع رؤیاهای پیشگویانه، شاه‌اسماعیل در عالم خواب و یا حتی نیمه‌بیداری، رهنمودهای از ائمه علیهم‌السلام دریافت می‌کند و پس از بیداری، آنها را عیناً اجرا می‌نماید. کثرت این نوع رؤیاها، گویای اهمیت آنها در اعتباردهی به اصل وجودی حکومت صفوی است. یکی از معروف‌ترین رؤیاها که منابع صفوی به آن اشاره کرده‌اند، از شواهد مشروعیت‌آفرین درباره رسمی‌سازی تشیع به‌وسیله شاه‌اسماعیل محسوب می‌شود.

ماجرای دریافت فرمان از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مورد چگونگی اعلام رسمیت یافتن مذهب تشیع در مسجد جامع تبریز باتوجه‌به حساسیت آن زمان و خطرات این اقدام، بسیار حائز

۱. در منابع، برای شاه‌اسماعیل، از ابتدای به قدرت رسیدن، یعنی اعلام رسمیت آیین تشیع تا زمان مرگ، در موارد مختلف، رؤیاهایی ذکر شده است. این تنوع در موضوعات خواب‌های شاه‌اسماعیل، از یک طرف جنبه‌هایی از جایگاه معنوی وی را نشان می‌دهد؛ چراکه برای هر موضوعی سعی شده رؤیایی مطرح شود تا نشان دهد شاه از جایگاه معنوی خاصی برخوردار است و این برای پادشاه جوانی که با مشقات بسیار تخت سلطنت را قبضه کرده بود می‌توانست مقبولیت و مشروعیت به همراه آورد. همچنین می‌توان این موضوع را تا حدی به نزدیکی وی به راه و رسم تصوف و رهبری طریقت مرتبط دانست که غالباً خواب و رؤیا و واقعه، در تصوف از جایگاه خاصی برخوردار است (احمدی، ۱۳۸۸، ص۶۳).

اهمیت بوده است. در زمان اعلام رسمیت مذهب تشیع در مسجد جامع تبریز، در عالم رؤیا بشارتی از طرف امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای شاه‌اسماعیل رسید که پیش‌بینی می‌کند روند کار رسمی‌سازی تشیع، با موفقیت پیش خواهد رفت. این رؤیا درباره فرمایش حضرت علی علیه‌السلام، در شرایطی بود که نگرانی‌ها از اعلام این خبر، در اوج خود قرار داشت و مشاوران اسماعیل و قزلباشان، از هر سو هشدارهایی جدی در مورد خواندن خطبه اثناعشری به او می‌دادند. مبنای تصمیم‌گیری شاه‌اسماعیل برای عملی‌سازی اراده خود، چنین شرح داده شده است:

«اما شاه در فکر بود که می‌دانست که قزلباش راست می‌گویند. چون به خواب رفت، دید که از برابرش نور پاک حضرت امیر علیه‌السلام نمودار گردید و گفت: ای فرزند! دغدغه به خاطر مرسان. روز جمعه می‌فرمایی که قزلباش تمام یراق‌پوش می‌آیند و در میان دو کس از رعیت قرار می‌گیرند و در وقت خطبه، اگر رعیت حرکت کنند، ایشان را قزلباش گرفته، می‌کشند و به این تدبیر بفرما خطبه بخوانند. آن سرور از خواب بیدار شد، خوشحال گردیده...» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص۶۴).

علاوه بر این، خواب‌های دیگری نیز با موضوعات مشابه در منابع صفوی دیده می‌شود که بر ارتباط سلاطین صفوی با معصومان علیهم‌السلام و کمک‌های ایشان به حکومت شاه‌اسماعیل در مقاطع مختلف اشاره می‌کنند.[1]

ماجرای گفتگوی کارکیا میرزا علی و اسماعیل نیز که پس از شش سال اقامت تصمیم به خروج از گیلان داشت، دلالت بر پیشگویی خود شاه‌اسماعیل برای آغاز حرکت انقلابی و تشکیل حکومت به فرمانی غیبی از جانب خداوند متعال دارد:

«کارکیا میرزا علی‌بن‌کارکیا سلطان محمد، از سادات حسینی پادشاه آنجا بود و کمال خدمتکاری و مهمانداری به تقدیم رسانید. چون بر خیال نهضت آن اعلی‌حضرت اطلاع حاصل کرد، یک مرتبه الحاح کرد که هنوز اول طلوع هلال این دولت ابدپیوند است. چندان توقف فرمای تا این ماه به چهارده رسد. چه سن آن اعلی‌حضرت، شروع در سیزده کرد، آن دین‌پناه جواب فرمود که از عالم بالا مأمورم و در این نهضت معذورم» (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹، ص۳۶).

۱. ازجمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: (روملو، ۱۳۵۷، ص۶۱-۶۲ و ۶۸؛ امینی هروی، ۱۳۸۳، ص۲۸۷ و مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص۵۵، ۸۰-۸۱ و ۲۹۲-۲۹۳).

این پاسخ آشکاری است که اسماعیل در دوران نوجوانی که خِرد و دوراندیشی در آن کمتر راه دارد و احساس، آن هم در شرایط خاص او بر آن چیره است، خود را صاحب رسالت برای ترویج مذهب شیعه می‌داند و معتقد است که خداوند و امامان شیعه، در این راه پشتیبان و حتی همراه او هستند (پارسادوست، ۱۳۸۳، ص۳۴۳).

تصریح شاه‌اسماعیل بر مأموریت خود از جانب خداوند متعال و اهل‌بیت علیهم‌السلام برای ترویج تشیع و تشکیل حکومت شیعی، شرایط را برای خوانندگان و شنوندگان این ادعا، بسیار جذاب و رازآلود جلوه می‌دهد. شاه‌اسماعیل که در دوران آغازین تشکیل حکومت صفوی به‌عنوان مرشد کامل و شخصی که نافرمانی از او به‌خصوص برای صوفیان و قزلباش‌ها امری محال بوده، چنین ادعایی کرده است و مسلماً حمایت هواداران پرشور و پرتعداد او از این نوع اظهارات سرورشان، نقش زیادی در مشروعیت حکومت استقراریافته به دست شاه‌اسماعیل داشته است.

این تفکر حاکم بر عصر شاه‌اسماعیل، در این بیت «هاتفی خرجردی» که در زمان حکومت شاه‌اسماعیل می‌زیست، به زیبایی خلاصه شده است:

جهان را نه آسان به لشکر گرفت　　به امداد آل پیمبر گرفت

(هاتفی خرجردی، ۱۳۸۷، ص۴۱).

۴. مشروعیت‌آفرینی بر اساس پیشگویی دشمنان شاه‌اسماعیل

در کنار شاه‌اسماعیل، مخالفان او نیز خواسته یا ناخواسته، پیشگویی‌هایی ذکر کرده‌اند. ازجمله اینکه میرزا جهانشاه قراقویونلو با احساس خطر از ناحیه اخلاف شیخ صفی‌الدین، از تشکیل این حکومت و امتداد آن تا قیام امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف سخن به میان آورده است. میرزا جهانشاه اخباری از رفت‌وآمد عده فراوان نزد جنید شنیده و به منجمان گفته است:

«می‌شنوم که مردم بسیار تردد می‌کنند به در خانه سلطان جنید و می‌ترسم که مبادا از این دودمان یکی خروج کند و دولت از سلسله ما منتقل شود به دودمان حضرت شیخ صفی. ببینید که از این سلسله، به سلسله من نقصان خواهد رسید تا در پی دفع این جماعت درآیم. منجمان گفتند: نزدیک شده است که به اندک روزگار، تمام ولایت ایران و دیار ملک روم و مملکت هندوستان و ولایت ترکستان را مسخر خواهند گردانید و صاحب خروج خواهد شد

و مذهب را تغییر خواهد داد و دولت ایشان زوالی نیابد مگر هنگام خروج صاحب‌الامر که در رکاب آن (حضرت) شمشیر خواهند زد و پادشاهی را به ملازمان آن حضرت سپرده و خود حلقه بندگی آن سرور را در گوش خواهند کشید» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص۲۶).

شایعه برپایی دولت موعود آخرالزمان به دست جنید، جهانشاه قراقویونلو را که در آن زمان بر آذربایجان حکم می‌راند، نگران کرد و او را واداشت جنید را از اردبیل براند. جنید نیز به اردوی آق‌قویونلوها پیوست (الویری، ۱۳۹۱، ص۲۷۸). نقل چنین گزارش‌هایی در صورت صحت اصل وجود چنین گزارشی موجب تقویت این باور می‌شد که اولاً صفویان دولت مشروعی خواهند بود که بر مردم حکومت می‌کنند و ثانیاً این دولت برحق، زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بوده و حکومت را به ایشان تحویل خواهند داد.

برخی پیشگویی می‌کردند که عطش شاه‌اسماعیل برای ترویج تشیع، ناشی از احساسات انقلابی و شور جوانی و یا هر عامل فردی و درونی دیگری است که به‌زودی فرو خواهد نشست. یکی از این افراد، سیف‌الدین احمد تفتازانی، شیخ‌الاسلام هرات بود که زمانی که فرستاده شاه‌اسماعیل در این شهر، حکم شاه را قرائت نمود و در خلال آن، سبّ و لعن مخالفان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را کرد، به یکی از اعاظم علمای فن نجوم که پهلوی او نشسته بود گفت:

«این عجب آتشی است که شعله کشیده! اما زود فرو خواهد نشست. آن منجّم که از احوال زایچه طالع حضرت شاهی اطلاع داشت و می‌دانست که دودمان عظیم ایشان، سال‌های متمادی مرکز قرار سلطنت و جهانبانی و محطّ رحال کشورگشایی و جهانستانی خواهد بود و امتداد ایام دولت و عظمت اولاد امجاد آن حضرت، مقرون به دوام و خلود بوده، از آفت انقطاع و انصرام محروس خواهد بود، گفت: راست است. آتشی شعله کشیده، اما زود فرو نخواهد نشست» (سبزواری، ۱۳۷۷، ص۷۴۱). حق با منجّم بود و این آتش، زود فرو ننشست و حتی دامن خود سیف‌الدین احمد تفتازانی را نیز گرفت و او را به کام مرگ فرستاد.

۵. مشروعیت‌سازی بر پایه دیدگاه‌های پیشگویانه تاریخ‌نگاران عصر صفوی

عده‌ای از تاریخ نگاران عصر صفوی با اشاره به ناکامی‌های حاکمان پیشین که قصد داشتند مذهب تشیع را اشاعه دهند، با مسرّت، از موفقیت صفویان در این امر یاد کرده و این

توفیقات را به‌نوعی مؤید پیشگویی‌های واردشده در مورد پادشاهان این سلسله دانسته‌اند. برخی از این مورخان، به وجود دستی نامرئی برای به قدرت رساندن صفویان تأکید کرده و به طور مداوم، از تقدیر الهی برای این امر سخن به میان آورده‌اند. ظاهراً در این آثار، ذکر پیشگویی‌ها می‌تواند دلیل و حجتی برای ادعای تاریخ نگاران باشد. ازجمله این نوع اظهارت در تاریخ نگاری صفوی می‌توان به اظهارنظر بوداق منشی قزوینی اشاره کرد که با این تخصیص، از اقدام شاه‌اسماعیل یاد می‌کند:

«فی الواقع عقلا از روی انصاف فکر نمایند که هیچ بنی‌آدمی را این دولت و این سعادت میسر نشده بود. ازجمله سلاطین سلف مثل عمربن‌عبدالعزیز، معتضد خلیفه، آل‌بویه و سلطان محمد خدابنده این اراده کردند و از پیش نرفت و همین قدر می‌نوشتند که **لعن الله الظالمین لآل محمد من الاولین و الاخرین**» (بوداق منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص۱۱۹).

همچنین قاضی احمد غفاری پس از اشاره به تاریخچه ناکامی‌های خلفا و پادشاهان متمایل به شیعه ازجمله معتضد عباسی، معزالدوله بویهی، سلطان محمد خدابنده و «سلطان حسین میرزا بایقرا در اعتلای تشیع، در مورد اقدامات مذهبی مؤسس سلسله صفوی می‌نویسد: «تا آنکه حضرت شاه غفران‌پناه به‌محض تایید الهی و توفیقات نامتناهی با وجود صغر سن بر دو امر غریب و دو مدعای عجیب که یکی از آن دیگری اغربست موفق گشتند اول مهم سلطنت صوری که از عهد حضرت امیرالمؤمنین هیچ‌کس از حضرات علویه در ایران بدان فائز نشده بودند. دیگر در بدو دولت، مذهب حقی را که درین نهصد سال در پس پردهٔ حجاب مانده بود، به احسن وجهی تقویت و تمشیت نموده، احدی را حد و یارای آن نبوده که در مقام ممانعت آید» (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ص۲۶۷).

با مضمونی مشابه عبارات فوق، اظهارات خورشاه‌بن قبادالحسینی در مورد شاه‌اسماعیل و نقش مهم او در اعتلای تشیع، در کتاب تاریخ ایلچی نظام شاه منعکس شده است: «از ابتدای اسلام تا زمان ظهور حضرت شاه دین‌پناه، هیچ حاکم و پادشاهی، اعلام رواج دین مبین و رایات مذهب حق ائمه معصومین علیهم‌السلام را این‌چنین برنیفراشته و همت بر بطلان مذاهب مخالف بدین‌طریق نگماشته. می‌توان گفت که آن حضرت در این امر خطیر ید بیضا به ظهور آورده» (خورشاه‌بن‌قبادالحسینی، ۱۳۷۹، ص۸۲).

خواندمیر هم معتقد است «بر طبق حدیث صحیح (ان الله یبعث علی رأس کل مائه سنه من یجدد لها دینها) اساس دین نبوی، از مساعی معمار دولت پایدار پادشاه صفوی، صفت متانت و استحکام گیرد و ریاض شرع مبین مصطفوی، بتازگی از رشحات سحاب همت عالی آثار وارث خلافت مرتضوی، سمت خضرت و نضارت پذیرد» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج۴، ص۴۶۷).

مؤلف کتاب روضه الصفویه نیز با اشاره به این حدیث، در مورد استقرار مذهب تشیع پس از قریب نه قرن در پس پرده بودن و طلوع سلسله صفویه می‌نویسد: «مذهب حقی را که از اقتدار مبتدعان رسوم بدعت و ضلال و سالکان طریق عناد و جهالت، قریب نهصد سال در پردهٔ خفا مستور مانده، رهروان طریق مرتضی و رافعان اعلای لوای ائمه اثنی‌عشر در مدت مذکور خفیّه به اظهار آن مبادرت نتوانستند نمود، از پردهٔ خفا به مساحت ظهور جلوه‌گر سازد و فضای کون به فضای بهشت رساند. لهذا از سپهر بارفعت سلسلهٔ رفیع‌منزلت صفویه آفتابی طلوع نمود» (میرزا بیگ جنابدی، ۱۳۷۸، ص۱۵۲).

همچنین اراده خداوند نیز موافق با به قدرت رسیدن شاه‌اسماعیل دانسته شده است و با عباراتی نظیر «چون استعدادات فایضه دینیّه و دنیویّه، مخصوص موهبت الهی است و نیّر ارادت حق بدان پرتو انداخته که آثار سلطنت شاهی بر عالم منتشر گردد، نسیم لطف سبحانی از مهب عنایت وزید و بر صبح سعادت شاهی دمید. نوّاب عالی (شاه‌اسماعیل) که تشمیم این رایحه نمودند و استقبال سعادت دریافتند...» (لاهیجی، ۱۳۸۹، ص۱۱۸) بر این نظر تأکید کرده‌اند.

در نهایت، حسینی گنابادی نظر خود را درباره مأموریت ازپیش‌تعیین‌شده شاه‌اسماعیل با این عبارات اظهار می‌کند: «شاه‌اسماعیل، خود را در اشاعه شیعه، مأموری می‌دانست که از جانب خدای عالم و حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام موظف به اجرای فرمان بود» (حسینی گنابادی، ۱۳۸۷، ص۶۶). با پذیرش این ادعای شاه‌اسماعیل از طرف عامه مردم، دیگر ابهامی برای حقانیت و مشروعیت حکومتی که او بنا نهاد، باقی نمی‌مانَد.

نتیجه‌گیری

پیشگویی‌هایی با محوریت سخنان و روایات منسوب به اهل‌بیت ﷺ، بزرگان اهل تصوف و سایر فرق مذهبی، خود شاه‌اسماعیل صفوی، دشمنان او و مورخان عهد صفوی در منابع مختلف صفویه و پیشاصفویه دیده می‌شوند که درباره ظهور فردی از میان خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی و توسعه مذهب تشیع، بشارت‌هایی می‌دهند. شاید درباره هیچ پادشاهی، تا این حد نوید ظهور داده نشده است.

این پژوهش که هدف آن، علاوه بر شناسایی این گزارش‌های بعضاً عجیب، بازنمایی نقش این نوع اخبار در مشروعیت‌آفرینی برای حکومت شاه‌اسماعیل و در کل، حکومت صفوی بود، تا حد زیادی توانست به اهداف خُرد و کلان خود دست یابد.

البته اعتبار و صحت این اخبار پیشگویانه، چه روایاتی که از ائمه معصومان ﷺ و چه سخنانی که از سایرین نقل شده، محل تردید جدی است. بااین‌حال، در این پژوهش با اذعان به مشکوک بودن این دایره گزارش‌های تاریخی، آثاری که ذکر این اخبار در دوره صفویه بر مشروعیت‌بخشی به حکومت نوپای صفویه برجای گذاشته است مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که بخش قابل‌توجهی از مردم و حتی نخبگان جامعه صفوی، به این اخبار تبشیری باور داشتند.

این پژوهش، در پی راستی‌آزمایی پیشگویی‌ها نبود. بنابراین به دنبال پیامدهای پیشگویی‌ها رفت و درصدد اثبات آثار نشر این نوع اخبار پیشگویانه برآمد. حاصل کار این شد که با اتکا به شواهد جمع‌آوری‌شده، بشارت‌های ظهور شاه‌اسماعیل که با تقدیس و ترسیم هاله‌ای از معنویت بر گِردِ او همراه بود، در آن دوره می‌توانست نقش نسبتاً قابل‌توجهی در مشروعیت و مقبولیت‌بخشیدن به حکومت تازه‌تأسیس صفویه از سوی یک نوجوان سیزده ساله با چهره کاریزماتیک و اعتقادی راسخ به تشیع داشته باشد.

در برخی از این پیشگویی‌ها، عموماً سخن از ظهور فردی از صلب شیخ صفی‌الدین است که مذهب تشیع را گسترش خواهد داد. برخی دیگر نیز به از پیش معین بودن این حرکت و اینکه شاه‌اسماعیل، مأموری از سوی خداوند جهانیان و یا اهل‌بیت ﷺ برای انجام

آن است اشاره دارند. برآیند این نوع اظهارات، معرفی فردی مرتبط با عوالم غیب برای این امر خطیر و مهم یعنی گسترش مذهب تشیع است که از مدت‌ها پیش خبر ظهور او منتشر شده است.

نگاه تردیدآمیز به منشاء این گزارش‌ها، مانع از اظهار این حقیقت نمی‌شود که پیشگویی‌ها از ظهور پادشاهی مرتبط با عوالم غیبی، اثر روانی مؤثری بر اذهان ایرانیان عصر صفوی داشته است. باید به این نکته نیز توجه داشت که شیعیان در ایران، قرن‌ها تحت سلطه حکومت‌های سنی‌مذهب زیسته بودند و در آن دوره، با شنیدن اخبار رستاخیزی، به آینده مذهبی ایران و حکومتی که پادشاه آن تلاش زیادی برای استقرار تشیع انجام خواهد داد، امیدوار شدند. ذکر پیشگویی‌ها درباره این پادشاه، ضمن تقدیس او، موجب دلگرمی عمومی نیز گردید.

هم‌اکنون و پس از گذشت چند قرن از زمان تأسیس سلسله صفویه، پذیرش اینکه اهل‌بیت علیهم‌السلام فرمانی مبنی بر تشکیل یک حکومت شیعی برای فردی از خاندان صفوی صادر کرده باشند، برای ما عجیب می‌نماید، اما باید دانست که این موضوع، در منابع صفوی مطرح شده و باورمندان زیادی نیز داشته است.

با درگذشت شاه‌اسماعیل اول، اثر پیشگویی‌ها در مشروعیت مذهبی صفویان، وارد مرحله‌ای جدید شد که مهم‌ترین شاخصه آن، اتصال حکومت صفویان به قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و تقدیم حکومت به ایشان از سوی پادشاهان صفوی بوده است.

ظاهراً در دوره صفویه، هیچ تشکیکی بر این پیشگویی‌ها وارد نشد و موضوع آن، در دوران حکومت شاه‌اسماعیل، به باور عمومی تبدیل گردید. در این شرایط بود که جامه‌ای از تقدس بر پیکر صفویان پوشانده شد و تصویری از فناناپذیری حکومت صفوی و اتصال آن به حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ارائه گردید که تا سال‌ها پس از سقوط این حکومت، دل‌های بسیاری از مردم هنوز با آنها مأنوس بودند و آنها را حکومت برحقی می‌دانستند که قربانی حوادث روزگار شد.

فهرست منابع

۱. احمدی، نزهت (۱۳۸۸ش)، رؤیا و سیاست در عصر صفوی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲. الویری، محسن (۱۳۹۱ش)، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۳. امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳ش)، فتوحات شاهی، تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. بوداق منشی قزوینی (۱۳۷۸ش)، جواهر الاخبار، تصحیح: محسن بهرام‌نژاد، تهران: نشر میراث مکتوب.
۵. پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۳ش)، «نقش تاریخی شاه‌اسماعیل اول»، در مجموعه مقالات همایش ایران زمین در گستره تاریخ صفویه، تبریز: انتشارات ستوده.
۶. جعفریان، رسول (۱۳۷۸ش)، گزارشی از کتاب تحفه فیروزیه شجاعیه به جهت سدهٔ سنیّهٔ سلطان حسینیه از میرزا عبدالله اصفهانی افندی، اصفهان: بی‌نا.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۹۱ش)، مهدیان دروغین، تهران: انتشارات علم.
۸. خواندمیر، امیرمحمود (۱۳۸۰ش)، تاریخ حبیب السیر، تصحیح زیرنظر: محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خیام
۹. خورشاه‌بن قبادالحسینی (۱۳۷۹ش)، تاریخ ایلچی نظام شاه، تصحیح و توضیح: محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۰. روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷ش)، احسن التواریخ، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک.
۱۱. سبزواری، ملامحمدباقر (۱۳۷۷ش) روضه الانوار عباسی، تصحیح: اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران: نشر آینه میراث.
۱۲. سرور، غلام (۱۳۷۴ش)، تاریخ شاه‌اسماعیل صفوی، ترجمه: محمدباقر آرام و غلام سرور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. شیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹ش)، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۴. عبدی بیگ شیرازی، خواجه زین‌العابدین علی (۱۳۶۹ش)، تکمله الاخبار، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.
۱۵. غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳ش)، تاریخ جهان‌آرا، تهران: نشر کتاب‌فروشی حافظ.
۱۶. قاضی احمد قمی، احمدبن‌شرف‌الدین الحسین الحسینی (۱۳۵۹ش)، خلاصه التواریخ، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۳ش)، مجموعه مقالات شاه‌نعمت الله ولی، گردآوری و تدوین: شهرام پازوکی، تهران: انتشارات حقیقت.
۱۸. لاهیجی، علی‌بن‌شمس‌الدین (۱۳۸۹ش)، تاریخ خانی، تصحیح: افشین پرتو، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.

۱۹. مؤلف ناشناخته (۱۳۶۳ ش)، عالم‌آرای صفوی، به کوشش: یدالله شکری، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۰. ـــــــــ (بی‌تا)، جهانگشای خاقان، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۲۱. میرزا بیگ جنابدی، حسن‌بن‌حسینی (۱۳۷۸ ش)، روضه الصفویه، به کوشش: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. ناجی، محمد یوسف (۱۳۸۷ ش)، رساله در پادشاهی صفویه، به کوشش: رسول جعفریان و فرشته کوشکی، تهران: نشر مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۳. هاتفی خرجردی، مولانا عبدالله (۱۳۸۷ ش)، شاهنامه هاتفی خرجردی، تصحیح: سیدعلی آل‌داود، تهران: نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.